

بررسی شفافیت، مسؤلیت پذیری و اطلاع رسانی بانک مرکزی ایران

دکتر احمد مجتهد

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۸۹/۹/۸

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۸۹/۶/۱۶

چکیده

در سال‌های اخیر بانک‌های مرکزی در سراسر جهان به مسأله شفاف‌سازی، مسؤلیت‌پذیری و اطلاع‌رسانی توجه زیادی نموده‌اند. بر خلاف گذشته که بانک‌های مرکزی تصمیم‌های خود را در خفا و پشت درهای بسته می‌گرفتند، اکنون جزئیات جلسات کمیته‌های پولی و اعتباری که مهم‌ترین مراکز تصمیم‌گیری در بانک‌های مرکزی است، به اطلاع همگان می‌رسد. بانک‌های مرکزی در کنار شفاف‌سازی،

* استاد اقتصاد دانشکده اقتصاد، دانشگاه علامه طباطبائی.

مسئولیت‌پذیری را نیز به عهده گرفته‌اند و خود را در قبال مسائل اقتصادی و تصمیمات بانک در مقابل عموم مسئول می‌دانند. اطلاع‌رسانی نیز به عنوان بخشی از فعالیت‌های ضروری بانک‌های مرکزی به حساب می‌آید.

از زمانی که سیاست «هدف‌گذاری تورمی» در بانک‌های مرکزی گسترش پیدا کرده است، مسئولیت‌پذیری نیز به عنوان جزئی از سیاست‌های بانک‌های مرکزی درآمده است. این امر منجر به تغییر روش در ارائه گزارش‌ها توسط بانک مرکزی شده است.

در زمینه استقلال بانک مرکزی ایران در سال‌های اخیر قدم‌های مؤثری برداشته شده است، هر چند این پیشرفت‌ها با نوسان‌هایی روبه‌رو بوده است. در برنامه‌های سوم و چهارم توسعه اقتصادی کشور با واگذاری مجدد ریاست شورای پول و اعتبار به رئیس کل بانک مرکزی و انتخاب رئیس کل بانک مرکزی توسط مجمع عمومی بانک مرکزی به ریاست رئیس جمهور، تحول مثبتی به وجود آمد. هر چند ادغام شورای پول و اعتبار در سایر شوراهای اقتصادی دولت، برای مدتی استقلال بانک مرکزی را دچار مخاطره نمود ولی برگشت مجدد آن به زیرمجموعه بانک مرکزی مجدداً موجب افزایش اعتبار بانک مرکزی و تصمیمات آن گردید.

در زمینه شفاف‌سازی، مسئولیت‌پذیری و پاسخگویی در سال‌های گذشته با تأکید صندوق بین‌المللی پول، بانک مرکزی ایران اقدامات مؤثری انجام داده است ولی در برخی موارد این سیاست‌ها با مقاومت روبه‌رو شده است و برخی از سازمان‌ها و دستگاه‌های اجرایی اعتقادی به اثرات مثبت آن ندارند. کاهش انتظارات تورمی یکی از مواردی است که اقتصاددانان در رابطه با سیاست‌های شفاف‌سازی بر آن تأکید کرده‌اند، این امر می‌تواند منجر به تأثیر بیشتر سیاست‌های پولی گردد.

در این مقاله ابتدا شفاف‌سازی تعریف شده و مدلی جهت بررسی اثرات آن ارائه گردیده است. همچنین سیاست‌های پولی بانک مرکزی ایران و اثرات شفاف‌سازی مورد بررسی قرار گرفته است و با سایر بانک‌های مرکزی مقایسه گردیده است. معیارهای اندازه‌گیری شفاف‌سازی، مسئولیت‌پذیری و پاسخگویی چندان دقیق نیست ولی با وجود این می‌توان به صورت مقایسه‌ای آن را مورد بررسی قرار داد. این مسأله باید در راستای استقلال بانک مرکزی مورد بررسی قرار گیرد و لذا تا زمانی

که استقلال بانک مرکزی به رسمیت شناخته نشده است، مسائل دیگر در حاشیه قرار می‌گیرند و نمی‌توان آنها را به درستی ارزیابی کرد.

واژه‌های کلیدی: سیاست پولی بانک مرکزی ایران، استقلال بانک مرکزی، شفافیت، پاسخگویی و ارتباطات، عملکرد سیاست‌های پولی ایران.

طبقه‌بندی JEL: E52, E58, K13.

۱. مقدمه

بحث استقلال بانک مرکزی از دهه ۱۹۷۰ و پس از فروپاشی نظام برتون وودز^۱ و سیستم پایه طلا از اهمیت بسزایی برخوردار شد و طی سال‌های اخیر بر اهمیت آن افزوده گردیده است؛ هم‌اکنون این بحث به طور جدی بین سیاستگذاران و همچنین اقتصاددانان مطرح می‌باشد. در این رابطه نظرات موافق و مخالفی نیز وجود دارد. امروزه تورم (افزایش مستمر سطح عمومی قیمت‌ها و کاهش قدرت خرید پول) در اکثر کشورهای جهان وجود دارد. بیشتر کشورها هم‌اکنون با استفاده از قواعد و سیاست‌های ضدتورمی توانسته‌اند به نرخ تکریمی دست یابند، ولی بعضی از کشورها خصوصاً کشورهای در حال توسعه مثل ایران با وجود تمام تلاش‌های خود در زمینه کاهش تورم نتوانستند به این امر مهم دست یابند. در ایران نیز علی‌رغم تأکید بر کاهش تورم در برنامه‌های توسعه اقتصادی و سیاست‌هایی که برای کاهش تورم بعد از انقلاب در طول سه دهه اجرا شده است، هنوز تورم دو رقمی وجود دارد که گویای این امر است که تورم در ایران از مشکلات اساسی اقتصادی می‌باشد و تا اندازه‌ای جنبه ساختاری دارد. از این رو مطالعات بیشتر در مورد راه‌حل‌های کاهش تورم امری مهم است.

مطالعات تجربی که در کشورهای در حال توسعه انجام شده است، علت تورم در این کشورها را عمدتاً ناشی از تغییرات حجم پول و یا ضعف ساختارهای تولید معرفی می‌کند. در واقع این مطالعات بیشتر بر پایه نظریات مکاتب پولی و مکاتب ساختاری انجام شده است.

بر اساس نظریه‌های پولی، تورم در بلندمدت یک پدیده پولی است. بدین معنا که میزان بالا و مستمر رشد پول، باعث ایجاد تورم می‌گردد و رشد پایین عرضه پول سرانجام میزان تورم را پایین خواهد آورد. فریدمن گفته است که «تورم تنها از طریق افزایش سریع‌تر حجم پول نسبت به تولید ایجاد می‌گردد». همچنین وی معتقد است که پول عامل مؤثر بر درآمد اسمی می‌باشد. بر این اساس اگر انبساط پولی شرط لازم و کافی برای خلق تورم باشد و عرضه پول کاملاً تحت کنترل مسئولین پولی باشد، در این صورت بانک مرکزی (دولت) مسئول جلوگیری از تورم یا ایجاد ثبات قیمت‌ها می‌باشد.

1- Bretton Woods.

با توجه به مطالعاتی که بر اساس مکاتب پولی انجام شده است، علت اصلی تورم افزایش بیش از اندازه حجم پول می‌باشد و اگر تغییرات حجم پول کنترل شود، می‌توان به تورم پایین دست یافت. بر همین مبنا است که پس از دهه ۱۹۹۰ کارآیی سیاست‌های پولی را همسو با استقلال بیشتر بانک مرکزی از مقامات مالی ارزیابی می‌کنند. روگف^۱ می‌گوید: «ایجاد یک بانک مرکزی - محافظه کار و تورم‌گریز - مانع استفاده از سیاست‌های صلاح‌دیدنی تثبیت فعال و تورش تورمی که این سیاست‌ها را در پی دارند، خواهد شد»^۲ در واقع روگف به این اشاره دارد که بانک مرکزی می‌بایست بر خلاف دولت که اولویت اولش رشد اقتصادی است، بیشتر به تورم توجه کند.

موضوع استقلال بانک مرکزی در سه حوزه قابل بررسی می‌باشد. اصولاً در این زمینه‌ها اختیار و نفوذ دولت حاکم می‌بایست تفویض شده یا به طور قابل ملاحظه‌ای محدود گردد.^۳ زمینه‌هایی که مشمول حصول استقلال قرار می‌گیرند عبارت‌اند از: انتخاب و گزینش نیروی انسانی و ایجاد انگیزه در کارمندان، استقلال در عملیات مالی بانک مرکزی و بالاخره استقلال مربوط به اجرای سیاست‌ها و تصمیم‌گیری‌های پولی. نمودار ۱ حوزه‌های استقلال بانک مرکزی را نشان می‌دهد.

نمودار ۱- حوزه‌های استقلال بانک مرکزی استقلال سیاستگذاری



1- Rogoff

۲- بی‌اسنون و همکارانش (۱۳۸۲)، راهنمای نوین اقتصاد کلان.

3- Hasse (1990).

تعریف اجمالی سه مؤلفه فوق به شرح زیر می‌باشد:

الف. استقلال سیاستگذاری: به اختیاراتی اشاره دارد که در تدوین و اجرای وظایف اصلی بانک مرکزی در زمینه سیاستگذاری پولی و انتخاب تاکتیک‌های راهبردی به بانک مرکزی تفویض می‌گردد.

ب. استقلال در عملیات مالی: میزان قدرتی که به دولت در رابطه با تأمین هزینه‌هایش (به طور مستقیم یا غیرمستقیم) از طریق اخذ اعتبارات از بانک مرکزی تفویض می‌گردد.

پ. استقلال پرسنلی: به میزان دخالت در تعیین رویه اداری، استخدامی، گزینش کارکنان، مدیران و مسئولین بانک مرکزی اشاره دارد.

بر این اساس در این مقاله رابطه استقلال بانک مرکزی و تورم علاوه بر مسائل پاسخگویی،^۱ شفافیت^۲ و اطلاع‌رسانی^۳ به عنوان تحولات جدید در زمینه سیاستگذاری پولی بانک مرکزی بررسی خواهد شد و سیاست‌های پولی بانک مرکزی ایران بعد از ۵۰ سال از ایجاد آن، که به عنوان یکی از بانک‌های مرکزی اولیه در جهان محسوب می‌گردد، مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

لذا بررسی عملکرد استقلال بانک مرکزی در زمینه اهداف تعیین شده در قانون آن در رابطه با ثبات قیمت‌ها و رشد اقتصادی با توجه به دیدگاه‌های جدید در خصوص نقش بانک مرکزی می‌تواند مفید باشد. در ادامه به بررسی ارتباط بین استقلال بانک مرکزی و تورم در کشورهای مختلف جهان می‌پردازیم و سپس ساختار بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران مورد تحلیل قرار می‌گیرد. همچنین رابطه بین استقلال بانک مرکزی و تورم در ایران بررسی می‌شود و در پایان خلاصه و توصیه‌های سیاستی ارائه خواهد شد.

۲. آیا وجود بانک مرکزی مستقل الزامی است؟

آیا بانک مرکزی باید در فعالیت‌ها استقلال داشته باشد؟ آیا استقلال بانک مرکزی مورد نیاز است؟ بحث این قسمت در واقع پاسخ به این دو سؤال است.

تورم در هر جامعه‌ای هزینه‌های متعددی دارد و موجب نابرابری‌ها در الگوی توزیع

1- Accountability.

2- Transparency.

3- Communication.

درآمد و تشدید نابرابری‌های اجتماعی می‌گردد، در یک کلام تورم، فقرا را فقیرتر و اغنیا را غنی‌تر می‌کند. از آنجا که تورم به طور مستمر قدرت خرید افراد فقیر جامعه را نسبت به افراد قوی و ثروتمند کاهش می‌دهد، برای ثبات سیاسی و اجتماعی جامعه خطرناک است و می‌تواند تنش‌ها و ناآرامی‌های سیاسی و اجتماعی شدید ایجاد کند. به طور کلی در سطح کلان اقتصادی تورم موجب کاهش رفاه اجتماعی می‌شود، در تجارت خارجی نیز با افزایش تورم میزان صادرات کاهش می‌یابد. یکی دیگر از هزینه‌های تورم که در واقع می‌توان آن را به عنوان مهم‌ترین هزینه تورم در نظر گرفت، این است که تورم اعتبار دولت را به شدت کاهش می‌دهد و موجب نااطمینانی در جامعه می‌شود.

با توجه به وجود هزینه سنگین تورم که ثبات سیاسی، ثبات اجتماعی، رفاه جامعه و اعتبار دولت را به خطر می‌اندازد، این سؤال مطرح می‌شود که چرا تورم وجود دارد و دولت‌ها قادر به کنترل آن نمی‌باشند؟ برای پاسخ به این سؤال در اینجا به سه دلیل اشاره می‌کنیم.

۱) همان‌طور که می‌دانیم دولت‌ها به ویژه در کشورهای در حال توسعه با انبوه تقاضا از جانب دریافت‌کنندگان خدمات عمومی روبه‌رو هستند. رفاه بیشتر، بهره‌مندی از امنیت بیشتر، بهداشت با پوشش گسترده‌تر، آموزش بهتر و فراگیرتر و موارد مشابه برای دریافت‌کنندگان این خدمات که پولی بابت آن پرداخت نمی‌کنند، همواره مطلوب و مورد درخواست است. عرضه این خدمات عمدتاً به‌طور انحصاری توسط دولت‌ها صورت می‌گیرد و افزایش میزان آنها مستلزم مخارج بیشتر است. افزایش مخارج دولت نیازمند دریافت مالیات فزون‌تر از جامعه است. اما افزایش مالیات، با مقاومت پرداخت‌کنندگان مالیات مواجه خواهد شد و اگر دولت راه ساده‌تر و کم‌دردسری را برای تأمین منابع پیدا کند، طبیعتاً آن راه‌حل را ترجیح می‌دهد. تأمین پولی هزینه‌های دولت، راه میان‌بری تلقی می‌شود که منجر به برقراری رابطه‌ای یک‌طرفه بین دولت و مردم خواهد شد.

۲) این شیوه تأمین منابع که در واقع انتشار پول برای هزینه‌های دولت است، از آنجا که در نهایت تبدیل به تورم می‌شود و تورم نیز ارزش پول در اختیار مردم را کاهش می‌دهد، خود نوعی مالیات تلقی شده و در اصطلاح «مالیات

تورمی»^۱ نامیده می‌شود. به دلیل اینکه چنین مالیاتی نیاز به فرآیند قانونی ندارد، دولت‌ها احتمالاً تا حد زیادی به این شکل مالیات‌گیری تکیه می‌کنند. در حقیقت همان‌طور که جان مینارد کینز^۲ اقتصاددان برجسته انگلیسی تأکید کرده است: «دولت می‌تواند تا مدت زیادی با چاپ پول زنده بماند، این نوعی از مالیات است که فرار از آن برای مردم بسیار مشکل می‌باشد و حتی ضعیف‌ترین دولت‌ها که توانایی اعمال هیچ کاری را ندارند، می‌توانند آن را اعمال کنند». در واقع مالیات تورمی، مالیاتی است که بدون تأیید صریح قانون‌گذاران در کشور اخذ می‌گردد و هر چند از همه گرفته می‌شود، ولی هیچ نماینده‌ای در پارلمان لازم نیست که به آن رأی بدهد؛ به دلیل اینکه اولاً این نوع مالیات‌گیری بسیار غیراخلاقی و ناعادلانه است و ثانیاً عدم شفافیت رابطه دولت و مردم را در پی دارد که مدت‌هاست نه تنها در کشورهای پیشرفته بلکه در اکثر کشورهای در حال توسعه نیز توسط قوانین محکم ممنوع شده است. به هر حال یکی از انگیزه‌های دولت‌ها برای خلق پول از طریق بانک‌های مرکزی، تأمین هزینه‌های دولت به جای مالیات است. اصولاً در کشورهایی که فرهنگ و دانش عمومی در حد قابل قبولی رشد کرده، دولت‌ها اعتبار اجتماعی و سیاسی خود را از طریق کسب «مقبولیت» دنبال می‌کنند. مقبولیت از طریق احراز دو ویژگی حاصل می‌شود: اول آنکه دولت آنچه را اعلام می‌کند، واقعاً «بخواهد» انجام دهد و دوم آنکه «بتواند» انجام دهد. در کشورهای در حال توسعه‌ای که فرهنگ و دانش عمومی هنوز در سطح پایینی است، اعتبار اجتماعی و سیاسی عمدتاً از طریق کسب «محبوبیت» حاصل می‌شود که بیشتر پدیده‌ای احساسی و هیجانی و کمتر عقلانی است. خرج کردن از طریق منابع بانک مرکزی به ویژه در مراحل ابتدایی که هنوز تورم شتاب جدی نگرفته، می‌تواند بسیار آسان و محبوبیت‌زا باشد.

(۳) انگیزه سوم دولت‌ها برای خلق پول، حمایت از اشتغال است. دانش اقتصاد تا اواخر دهه ۶۰ و اوایل دهه ۷۰ حکایت از وجود رابطه‌ای قطعی و منفی میان تورم و بیکاری داشت که منحنی فیلیپس نامیده می‌شد. کشورهایی که

1- Tax Inflation.

2- Johan Maynard Keynes (1923).

نرخ‌های تورم پایین و نرخ‌های بیکاری غیرقابل قبول داشتند، در چهارچوب منحنی فیلیپس می‌توانستند در ازای پذیرفتن هزینه‌های تورم بیشتر، از منافع ناشی از بیکاری کمتر بهره‌مند شوند. در واقع تورم منجر به کاهش دستمزد حقیقی شده و این امر باعث می‌گردد تا تقاضا برای نیروی کار افزایش یابد. ولی بعدها با ارائه نظریات انتظارات تطبیقی و انتظارات عقلایی، نقش انفعالی کارگران نفی گردید. بر اساس این نظریات، کارگران تورم ناشی از سیاست‌های دولت را که ناشی از افزایش حجم پول برای کاهش بیکاری است، پیش‌بینی و بر این اساس تقاضای دستمزد بالاتر می‌کنند، در این صورت تولید و اشتغال تغییر نمی‌کند. بر اساس نظریات انتظارات عقلایی تنها سیاست‌های غافلگیرانه می‌تواند در تغییر تولید و اشتغال مؤثر واقع شود. دولت‌هایی که قصد تغییر در تولید و اشتغال را دارند، با توجه به این موضوع سعی بر این دارند که بیشتر از سیاست‌های غافلگیری در زمینه افزایش حجم پول استفاده کنند که این امر از طریق ابزارهای خلق پول توسط بانک مرکزی قابل اجرا می‌باشد.

۳. اطلاع‌رسانی، شفافیت و پاسخگویی بانک مرکزی

وود فورد^۱ مدعی شد که شیرازه سیاست پولی «هنر مدیریت انتظارات» است و این مسأله‌ای است که قبلاً مورد قبول عقلا قرار گرفته است و یک انقلاب در طرز تفکر اقتصادی محسوب می‌گردد. از این رو شفاف‌سازی، اطلاع‌رسانی و پاسخگویی برای شکل‌گیری انتظارات مورد توجه اقتصاددانان قرار گرفته است. بانک‌های مرکزی نروژ، انگلستان و سوئد در زمینه شفافیت، جلوتر از بانک فدرال آمریکا می‌باشند. همچنین بانک مرکزی اروپا از زمان تأسیس خود در سال ۱۹۹۹ بیشتر از فدرال رزرو آمریکا شفاف و پاسخگو بوده است. بانک‌های مستقل‌تر باید بیشتر پاسخگو باشند و وظیفه آنها تشریح کارها و تفکراتی است که مبنای عملیات آنها می‌باشد، چگونه می‌توان از شفافیت بانک‌های مرکزی برای مدیریت انتظارات جهت «ایجاد اخبار» و «کاهش صداهای مزاحم» استفاده کرد.

1- Woodford (2001).

در رابطه با «ایجاد اخبار»، تأکید بر تأثیر اطلاعیه‌های بانک مرکزی بر انتظارات و در نتیجه قیمت دارایی‌ها است.

مطالعات مربوط به «صداهاى مزاحم» برای این است که چگونه صحبت‌های بانک مرکزی تأثیر پیش‌بینی عملیات بانک مرکزی را افزایش و در نتیجه تلاطم در بازارهای مالی را کاهش می‌دهد. ویلیام پوله^۱ می‌گوید: «تصور بر این است که مشارکت بازار تصمیمات را کارآتر می‌کند که ناشی از این است که بازار به درستی عملیات بانک مرکزی را پیش‌بینی می‌کند».

۳-۱. ارائه یک مدل ساده اطلاع‌رسانی

تعریف: اطلاع‌رسانی را می‌توان فراهم نمودن اطلاعات توسط بانک مرکزی به مردم در مورد مسائلی چون اهداف سیاست پولی و نه استراتژی‌های سیاست پولی، پیش‌بینی اقتصادی و پیش‌بینی برای تصمیمات آتی سیاست‌ها دانست. در این بخش به صورت نظری یک مدل ساده ارائه می‌گردد. این مدل در کشورهای کاربرد دارد که عامل نرخ بهره به عنوان یک ابزار سیاستی در آن مورد استفاده قرار می‌گیرد. با توجه به عدم وجود یک نرخ بهره متکی به بازار در اقتصاد ایران، چنین مدلی برای بررسی اثرات اطلاع‌رسانی بانک مرکزی در اقتصاد در حال حاضر مناسب است ولی می‌تواند راهنمای ارائه مدلی متناسب با شرایط اقتصاد ایران در آینده گردد.

برطبق نظریه‌های استاندارد «ساختار زمانی»^۲ نرخ‌های بهره در ابزارهای بلندمدت بایستی منعکس‌کننده انتظارات دنباله‌دار نرخ‌های بهره یک‌شبه باشند. به عنوان مثال نرخ روز n ام به طور تقریبی باید برابر باشد با:

$$R_t = a_n + (1/n)(r_t + r_{t+1}^e + r_{t+2}^e + \dots + r_{t+n-1}^e + \epsilon^t + \epsilon_{1t}) \quad ()$$

که در این بخش، نرخ جاری یک‌شبه r_t و $r_{t+1}^e =$ نرخ انتظاری یک‌شبه، امروز برای فردا می‌باشد و به همین ترتیب t_{+2} و t_{+3} و ... $a_n =$ پاداش مدت است و پارامتر اشتباه را نشان می‌دهد، پاداش مدت ممکن است به صورت احتمالی باشد. معادله ۱ به خوبی نشان می‌دهد که نرخ‌های میان‌مدت و بلندمدت بایستی بستگی به انتظارات

1- William Poole (2001).

2- Term Structure.

آینده مردم از سیاست‌های بانک مرکزی داشته باشد. یک حالت خاص زمانی به وجود می‌آید که نرخ بهره یک‌شبه صفر یا نزدیک به صفر چسبیده است و اطلاع‌رسانی بانک مرکزی در باره نرخ‌های آینده مورد انتظار اساس سیاست‌های پولی می‌گردد. به عنوان مثال ابتدا یک چهارچوب ساده اقتصاد کلان برای روشن ساختن نقش اطلاع‌رسانی بانک ارائه می‌شود:

$$y_t = D(r_t - \pi_t^e, R_t - \pi_t^e, \dots) + \epsilon_{2t} \quad (2)$$

که r نرخ کوتاه‌مدت و R نرخ بلندمدت و f_t^v نرخ تورم انتظاری است و y_t تقاضای کل است.

رابطه عرضه کل بر اساس منحنی فیلیپس و کینزین‌های جدید برابر است با:

$$\pi_t = BE(\pi_{t-1}) + \lambda(y_t - y_t^*) + \epsilon_{3t} \quad ()$$

f_t برابر با تورم و y_t و y_t^* تولید بالقوه و واقعی می‌باشند. مدل به وسیله اضافه کردن تابع عکس‌العمل بانک مرکزی بسته می‌شود (قانون تیلور).

$$r_t = G(y_t - y_t^*, \pi_t, \pi_t^*, \dots) + \epsilon_{4t} \quad ()$$

در اینجا π^* هدف تورمی بانک مرکزی است و مفروضات مدل به شرح زیر است:

- محیط باثباتی است (یعنی معادلات ۱ تا ۳ طی زمان تغییر نمی‌کنند).

- بانک مرکزی متعهد به یک قانون سیاستی بدون تغییر است.

- انتظارات عقلایی است.

با چنین فرضیات غیرواقعی، اطلاع‌رسانی بانک مرکزی نقش مستقلی ندارد. هر نوع الگوی سیستماتیک در مورد انجام سیاست‌های پولی به طور صحیح به رفتار مشاهده شده بانک مرکزی بستگی دارد.^۱ به ویژه زمانی که به پیش‌بینی نرخ‌های کوتاه‌مدت آینده برمی‌گردیم، تنها کافی است داده‌های اطلاعاتی دریافتی را از نظر سیاست‌های

1- Wood ford (2005).

شناخته شده بانک مرکزی ببینیم.

این قضیه مبالغه‌آمیز چهار جنبه بالقوه دارد که در آن صورت اطلاع‌رسانی بانک مرکزی اهمیت می‌یابد. یکی وجود بی‌ثباتی است و دیگری اینکه یاد گرفته شود چنین محیطی طبیعی است و مورد سوم و چهارم انتظارات غیرعقلایی و یا عدم تقارن اطلاعات بین بانک مرکزی و مردم است. اگر یک یا چند مورد از این شرایط وجود داشته باشد، «اطلاع‌رسانی» بانک مرکزی اهمیت دارد.

مسلماً بانک مرکزی بیشتر از هر کسی از سیاست‌های خود اطلاع دارد، به علاوه این فرض که سیاست پولی را فقط صورت معادله ساده تایلور بیان کنیم که براساس نرخ تورم جاری و شکاف تولید است، چندان واقعی نیست. این مسأله که بانک مرکزی به سیاست‌های مشخص از قبل تعیین شده در همه موارد متکی باشد و تصمیم‌گیری نماید، صحت ندارد. در حقیقت اساس نظر رئیس بانک مرکزی اروپا ژان کلود تریست^۱ این است که بانک مرکزی در هر زمان فقط یک قدم برمی‌دارد و تعداد عکس‌العمل‌های بانک مرکزی در مقابل حوادث عملاً بی‌نهایت است.

معادله ۵ رابطه بین تغییرات نرخ بهره با متغیرهای مختلف را نشان می‌دهد:

$$r_{t+j}^e = H_j(y_t, R_t, r_t, \dots, s_t) + E_{s_t} \quad (۵)$$

در این رابطه s_t یک بردار علامت‌های بانک مرکزی می‌باشد که ممکن است به روشنی یک عدد باشد یا یک علامت رمز. در چنین شرایطی هر اقدام بانک مرکزی از طریق سه کانال کاملاً متمایز اثر می‌گذارد:

(۱) اثر مستقیم نرخ بهره یک‌شبه روی کل تقاضا یعنی D_r در معادله ۲ که احتمالاً کوچک است.

(۲) اثرات مستقیم علامت‌های بانک مرکزی روی تغییرات احتمالی نرخ‌های کوتاه‌مدت H_s در معادله ۵ که احتمالاً یادگیری در آن وجود دارد.

(۳) اثر تغییرات در نرخ کوتاه‌مدت r در انتظارات و همه عواقب توالی نرخ‌های کوتاه‌مدت آینده از طریق معادلات ۱ و ۵ و بازخورد عواقب آن در نرخ

1 - Jean Claude Trichet (2003-2009).

بلندمدت « R_t » می باشد. بنابراین در رابطه با تقاضا (D_R) این کانال مطمئناً به وسیله علامت‌های بانک مرکزی تحت تأثیر قرار می‌گیرد. این نکات سه‌گانه به خوبی روشن می‌کند که هر نوع محاسبه سیاست‌های پولی که اطلاع‌رسانی بانک مرکزی را نادیده می‌گیرد، به طور جدی ناکارآمد است. این نظریه جدید سیاست پولی ما را مستقیماً به چندین سؤال عملی هدایت می‌کند، اول اینکه بردار S_t در عمل چگونه است و چرا ممکن است در رابطه با بانک‌های مرکزی متفاوت باشد؛ دوم چه شواهدی وجود دارد که ارتباطات بانک مرکزی روی انتظارات مردم مستقیماً تأثیر می‌گذارد؛ سوم چگونه برخی اجزای بردار S_t روی متغیرهای قابل اندازه‌گیری مثل نرخ‌های بهره، قیمت‌های سهام و نرخ‌های اوراق سهام اثر دارد و چهارم، این چهارچوب پیشنهاد می‌کند که اطلاع‌رسانی ماهرانه می‌تواند:

الف. نسبت علامت به انحراف^۱ را افزایش دهد.

ب. تلاطم بازار مالی را کاهش دهد.

ج. به نتایج بهتری در سیاست‌های پولی بینجامد، یعنی تغییرات تورم و تولید را پایین بیاورد.

در واقع چندان روشن نیست که آیا بانک‌های مرکزی با اطلاع‌رسانی بیشتر موفقیت بهتری خواهند داشت یا خیر؟ در عمل بسیاری از بانک‌های مرکزی اطلاع‌رسانی را محدود می‌کنند و بحث‌های داخلی را کتمان می‌نمایند. تعداد محدودی از بانک‌ها راهکارهای آینده خود را پیش‌بینی می‌کنند و بسیاری از بانک‌ها عقیده دارند که اطلاع‌رسانی بیشتر تحت برخی شرایط نامطلوب و حتی زیان‌آور است، هر چند برخی از اقتصاددانان (ارمن و فراتشرز)^۲ نشان داده‌اند که در دوران محدودیت اطلاعاتی بازار به تلاطم شدیدی دچار شده است.

در گذشته تعاریف نظری به نتیجه روشنی در مورد سطح مطلوب شفافیت نرسیده است. مدل‌های ارائه شده از نظر شفافیت بانک مرکزی تفاوت‌های قابل توجهی با یکدیگر دارند و این مسأله به فرضیه آنها در مورد چگونگی تأثیر شفافیت بر ساز و کار انتقال بستگی دارد.

1- Ratio of Noise to Signal.

2- Ehrmann and Fratzscher (2008).

اگر به دنیای واقعی رفتار بانک‌های مرکزی نگاه کنیم، متوجه می‌شویم که آنچه درجه بهینه و نوع اطلاع‌رسانی را طی این سال‌ها متحول ساخته است، جهت‌گیری بیشتر بانک‌های مرکزی به سمت «دسترسی بیشتر» مردم به اطلاعات می‌باشد. در مقابل استدلال طرفداران نظریه دسترسی بیشتر به اطلاعات، مقاله (کوکرمن و متزر)^۱ جالب است. استدلال آنها برای مخفی‌کاری و کتمان اطلاعات بر اساس این دو فرض می‌باشد که تنها «سیاست پولی غیرمنتظره» مطرح است و اهمیت دارد و ترجیحات بانک مرکزی به وسیله مردم دقیقاً مشخص نیست. تحت این فرضیات، میزانی از پنهان‌کاری اثرات مؤثرتری بر سیاست پولی دارد؛ زیرا یک سیاست کاملاً آشکار نمی‌تواند ایجاد شگفتی نماید. دو دهه بعد پیر گوسلن، ایلین لوتس و چارلز ویپلوز^۲ اظهار نمودند هر دو دیدگاه که فقط سیاست‌های پولی پیش‌بینی نشده و پنهان‌کاری بانک مرکزی در مورد ترجیحاتش به منظور دنبال نمودن برنامه‌های خود به نظر می‌رسد روزبه‌روز از نظر زمانی از دور خارج است و به گذشته تعلق دارد. آن سایبرت^۳ اخیراً نظرات کوکرمن و متزر را مورد شک و تردید قرار داده است. براساس مدل دو دوره‌ای آن یک بانک مرکزی غیرشفاف بر نقش اطلاعات خصوصی تمرکز دارد. براساس اهداف تعیین شده، رفاه بانک مرکزی با افزایش تورم پیش‌بینی نشده افزایش نمی‌یابد؛ زیرا تولید را افزایش نمی‌دهد و با تورم واقعی کاهش نمی‌یابد. همچنان که در این مورد چنین مدلهایی وجود دارد، چنین توابع هدفی در اثر یک شوک غیرقابل مشاهده، زمانی که انتظارات عمومی شکل گرفته است ولی قبل از اینکه سیاست پولی اعلام شود، تحقق می‌یابد و فرصتی را برای استفاده از مبادله منحنی فیلیپس در کوتاه‌مدت به وجود می‌آورد. با وجود این یکی از مهم‌ترین نتایج مطالعه سایبرت این بود که همیشه هم جامعه و هم بانک مرکزی از شفافیت بیشتر بهره‌مند می‌شوند؛ زیرا این امر تبعیض تورمی را کاهش می‌دهد. مشکل ناهماهنگی در اظهارات اعضای کمیته پولی نیز به عنوان یکی از مشکلات سیاست‌های پولی از نظر اطلاع‌رسانی مطرح شده است. اگر اعضای کمیته پولی یا شورای پول و اعتبار هر یک به تنهایی در مورد سیاست‌های پولی اظهار نظر کنند،

1- Alex Cukierman and Allon Metzger (1986).

2- Pierre Gosselin, Aileen Lotz and Charles Wyplosz (2007).

3- Ann Sibert (2006).

ممکن است این امر سبب سرگشتگی مردم شود. در این صورت اگر نظرات به صورت ناهماهنگ و ضعیف ارائه شود، ممکن است عملاً منجر به کاهش نسبت علامت به انحراف گردد. هر چند به نظر اکثر اقتصاددانان راه حل روشن این امر شفافیت بیشتر است نه سکوت.

یک سوء تفاهم دیگر در رابطه با اطلاع رسانی، به مسأله اطلاع رسانی با تعهد بر می گردد. این مسأله ناشی از این امر است که اگر اطلاعاتی توسط بانک مرکزی داده شود، ممکن است منجر به این سوء تفاهم شود که آزادی بانک مرکزی را محدود نماید و قدرت مانوردهی او را در آینده کاهش دهد. این نگرانی در دیدگاه پل والکر و آلن گرینسپین^۱ در سال های ۱۹۸۴ و ۱۹۸۹ مطرح گردیده است. این سوء تفاهم ناشی از این نکته است که بیشتر اطلاع رسانی بانک های مرکزی شامل اطلاعاتی در مورد تصمیمات سیاستی، هدف گذاری تورمی، پیش بینی ها و امثال آن است و بانک را متعهد به عملیاتی در آینده نمی کند. از این رو حتی در برخی از انتشارات معروف فدرال رزرو و بانک مرکزی نیوزیلند تحت عنوان «مسیر آینده» که پیش بینی مشروط رفتار آینده خود است، رفتار خود را به متغیرهای زیادی در آینده مربوط می دانند و لذا متضمن تعهد خاصی در عمل نمی باشند.

البته در برخی مواقع بانک مرکزی می خواهد که خود را به صورتی متعهد نشان دهد. به عنوان مثال برنانکه، توماس لوباک، فردریک میشکین و آدام پوسن^۲ در مقاله ای از اعلام عمومی هدف گذاری تورمی حمایت کردند. هر چند این نظر استثنایی است و روال معمول نیست، معمولاً بیشتر اطلاع رسانی ها هیچ گونه تعهدی را در بر نمی گیرد.

به طور خلاصه می توان گفت که از نظر اطلاع رسانی، بانک مرکزی مهم است و اطلاع رسانی ماهرانه می تواند نتایج اقتصاد کلان را بهبود بخشد و اطلاع رسانی به معنی تعهد بانک مرکزی به انجام سیاست های خاص لزوماً نیست.

۲-۳. اطلاع رسانی بانک های مرکزی در عمل

بسیاری از بانک های مرکزی با اهداف یکسان، سیاست های اطلاع رسانی مختلفی را

1- Pool, Walker and Alan, Greenspan

2- Bernanke, Thomas Laubach, Fredrick Mishkin and Adam Possen (1999).

دنبال می‌کنند. در این بخش برخی از انواع اطلاع‌رسانی‌ها در مورد بانک‌های مرکزی مشهور دنیا مانند فدرال رزرو آمریکا، بانک مرکزی اروپا و انگلستان و چگونگی علامت‌دهی آنها را در مورد سیاست‌های پولی بررسی می‌کنیم.

بانک‌های مرکزی حداقل چهار جنبه مختلف از سیاست‌های پولی را اطلاع‌رسانی می‌کنند.

(۱) اهداف کلی و استراتژی.

(۲) انگیزه‌هایی که در پشت یک سیاست خاص پولی قرار دارد.

(۳) پیش‌بینی اقتصادی.

(۴) آینده تصمیمات سیاست پولی.

هر چند می‌توان خاطر نشان کرد که اهداف و استراتژی‌های بانک‌های مرکزی دارای ثبات بیشتری می‌باشند، از این رو علامت‌های داده شده در این مورد از نوسانات کمتری نسبت به سایرین در طی زمان برخوردار است.

۳-۳. استقلال بانک مرکزی

بانک مرکزی مستقل باید به روشنی و با یک هدف مشخص به صورت یک حکم توسط دولت معین شود. به طور کل برخی بانک‌های مرکزی هدف‌های مشخص و دقیقی دارند و بعضی اوقات این اهداف به صورت مقداری می‌باشند، در مواقعی که اهداف مقداری به بانک‌های مرکزی داده نشده است، خود تصمیم می‌گیرند که آن را مقداری نمایند. دو دلیل برای این کار وجود دارد: اول آنکه هدف‌های عددی پاسخگویی را تسهیل می‌نماید و قادر می‌سازد که عملکرد بانک مرکزی ارزیابی گردد؛ دوم آنکه اهداف عددی کمک می‌نمایند که یک نقطه اتکایی (لنگری) در مقابل انتظارات فعالان اقتصادی ایجاد گردد.

در مدل ارائه شده، شکل‌گیری انتظارات فعالان اقتصادی در معادله ۵ به وسیله

اطلاع از اهداف Y_t^* و π_t^* تسهیل می‌گردد که از این طریق به کانون سیاستی معادله ۴ وارد می‌شوند.

درجه استقلال بانک‌های مرکزی در کشورهای مختلف متفاوت است. برخی از نویسندگان از جمله گرلی، ماسین دارو، السینا، بید و پرکینس^۱ در تحقیقات خود

1- Grilli and Mascian Daro and Tabelini (1991), Alesina (1988), Bad and Prkins (1982).

دریافتند که هر چقدر استقلال بانک مرکزی بیشتر باشد، سطح تورم پایین تر است. بررسی‌ها نشان می‌دهد که همبستگی بین استقلال بانک مرکزی و سطح متغیرهای واقعی اقتصاد مانند رشد، بیکاری و نرخ بهره واقعی وجود ندارد. در حالی که استقلال بانک مرکزی منجر به ثبات قیمت‌ها می‌شود ولی اثر قابل اندازه‌گیری بر روی عملکرد واقعی اقتصاد ندارد.

استقلال بانک مرکزی بدین مفهوم است که چون دولت‌ها از نظر سیاسی برای رسیدن به قدرت، قول‌هایی را به مردم می‌دهند که اگر به این قول‌ها عمل شود، منجر به افزایش حجم پول و فشارهای تورمی می‌گردد، یک بانک مرکزی مستقل می‌تواند تا اندازه زیادی با استفاده از این مسأله در مقابل فشارهای سیاسی مقاومت نماید و ثبات اقتصادی بیشتری را موجب گردد:

اول اینکه، حتی یک بانک مرکزی مستقل می‌تواند موجب بهبود عملکرد اقتصادی گردد. همان‌گونه که مطالعات روگف و سایبرت (۱۹۸۸) و نورد هاوس^۱ نشان می‌دهند، بانک مرکزی مستقل شوک‌های احزاب سیاسی بعد و قبل از انتخابات را کاهش می‌دهد. این مسأله توسط السینا و هیبس^۲ نیز تأیید گردیده است و ویلت^۳ به‌طور وسیعی هم از جنبه نظری و هم از جنبه‌های عملی مباحث مربوط به سیاست‌های پولی و ادوار تجاری را از نظر سیاسی مورد مطالعه قرار داده است.

دوم آنکه تورم‌های شدید روی عملکرد اقتصادی از طریق ایجاد انحراف یا تشویق فعالیت‌های رانت‌خواری یا افزایش هزینه ریسک اثر منفی دارد و بانک مرکزی مستقل می‌تواند مانع آن شود.

۴. عملکرد بانک مرکزی ایران

بانک مرکزی از ابتدای تأسیس خود در ۱۳۳۸ با اهداف چندگانه‌ای روبه‌رو بود. مبارزه با تورم، افزایش رشد اقتصادی و ایجاد اشتغال از اهداف تعیین شده بانک مرکزی به‌علاوه سایر اهداف بود. با توجه به وضعیت اقتصادی ایران در دهه ۱۳۴۰، بانک مرکزی سیاست‌های انبساطی اقتصادی را در برنامه خود داشت، در راستای

1- Nordhuus (1975).

2- Alesina (1988-1989) and Hibbs (1987).

3- Willet (1988).

پولی شدن اقتصاد و گذر از مرحله اقتصاد مبادله‌ای، نقش پول و سیاست‌های پولی افزایش یافت. با توجه به نیاز شدید کشور به منابع ارزی، سیاست‌های بانک مرکزی عمدتاً در جهت حفظ موازنه ارزی و جلوگیری از افزایش بدهی‌های خارجی بود.

رشد اقتصادی مداوم و نسبتاً بالای اقتصاد ایران در طی برنامه‌های سوم و چهارم توسعه اقتصادی که به کمک افزایش درآمدهای نفتی و ثبات سیاسی فراهم آمد، یک عامل مثبت در ایجاد ثبات اقتصادی بود. با افزایش شدید قیمت‌های نفت و رشد بالای اقتصادی، بانک‌های خارجی و داخلی تسهیلات بانکی را به شدت افزایش دادند و فشارهای تورمی تشدید شد و بانک مرکزی برای جلوگیری از افزایش قیمت‌ها ناگزیر شد در سال ۱۳۵۴ به سیاست‌های انقباضی پولی برگردد. کاهش درآمد نفت به علت پایین آمدن قیمت نفت موجب شد که دولت نیز سیاست انقباضی بودجه را در پیش گیرد و این مسأله به کاهش رشد قیمت‌ها در سال‌های ۱۳۵۵ و ۱۳۵۶ کمک کرد.

استقلال بانک مرکزی بر اساس اندازه‌گیری شاخص‌های استقلال چه بر اساس شاخص کوکرمین و چه شاخص استقلال بانک مرکزی از نظر مدت دوره خدمت ریاست بانک مرکزی در حد پایینی نسبت به کشورهای توسعه‌یافته قرار داشت. با وجود این از نظر برخی معیارهای کوکرمین، از جمله استقلال مالی و پرسنلی، بانک مرکزی ایران استقلال بیشتری نسبت به کشورهای دیگر داشت.

در این دوران بانک مرکزی شروع به انتشار گزارش‌های اقتصادی از جمله محاسبه تولید ملی، شاخص قیمت‌ها و آمارهای سیستم بانکی نمود. این گزارش‌ها نقش زیادی را در اطلاع‌رسانی به مردم و فعالان اقتصادی، سازمان‌های بین‌المللی و همچنین سرمایه‌گذاران خارجی ایفا می‌کرد.

بعد از پیروزی انقلاب اسلامی با توجه به بحران‌های سیاسی و اقتصادی و شرایط خاص کشور اطلاع‌رسانی بانک مرکزی محدود شد و از ارائه برخی اطلاعات به ویژه در زمینه منابع ارزی بنا به دلایل سیاسی خودداری گردید. اطلاعات اقتصادی بانک مرکزی در این دوران با توجه به ملاحظات زمان جنگ محدود و سیاست‌های پولی بانک مرکزی تحت‌الشعاع سیاست‌های مالی دولت قرار داشت. لذا این دوران را از نظر استقلال بانک مرکزی، اطلاع‌رسانی، شفافیت و پاسخگویی باید دوران استثنایی دانست. فشارهای سیاسی از طرف قوای مقننه و مجریه در پرداخت تسهیلات بانک مرکزی و سیستم بانکی، شرایط نامناسبی را برای اعمال سیاست‌های پولی در جهت

ایجاد ثبات اقتصادی فراهم نمود.

وجود فضای نامناسب داخلی و خارجی از نظر اقتصادی و سیاسی، سرمایه‌گذاری را محدود کرد و لذا دولت با استفاده از سیاست‌های پولی سعی در افزایش رشد اقتصادی و ایجاد اشتغال و رشد سرمایه‌گذاری نمود. این تلاش در شرایط متلاطم سیاسی - اقتصادی منجر به تورم شدید در کشور گردید و سیاست‌های کنترل قیمت و جیره‌بندی و پرداخت یارانه نتوانست تورم فزاینده را مهار کند ولی شدت آن را تا اندازه‌ای کاهش داد.

با پایان جنگ و آغاز برنامه‌های نوسازی و ترمیم خسارات جنگی، شرایط مناسب‌تری از نظر سیاسی و اقتصادی فراهم آمد و برنامه اول پنج‌ساله توسعه اقتصادی (۱۳۶۸-۱۳۷۲) توانست رشد اقتصادی را افزایش دهد و با کاهش انتظارات تورمی، فشارهای تورمی را تا اندازه‌ای کاهش دهد. اما تداوم حصر اقتصادی، نیاز شدید کشور به منابع ارزی و عدم استقبال سرمایه‌گذاران خارجی، به صورت یک عامل بازدارنده عمل کرد و منجر به افزایش بدهی‌های خارجی کوتاه‌مدت گردید.

افزایش تعهدات حساب ارزی دولت و عدم توانایی کشور در بازپرداخت بدهی‌های خارجی موجب تورم بی‌سابقه ۵۰ درصدی در سال ۱۳۷۴ گردید. سیاست‌های تعدیل اقتصادی، تبدیل به سیاست‌های تثبیت اقتصادی گردید و موفق شد نرخ تورم را تا اندازه زیادی کاهش دهد، هر چند این سیاست‌ها رشد اقتصادی را شدیداً کاهش و نرخ بیکاری را افزایش داد.

ادامه محدودیت درآمدهای ارزی مشکلات زیادی را برای اقتصاد کشور ایجاد نمود و باعث گردید که سیاست‌های ارزی در اولویت برنامه‌های سیاستی بانک مرکزی قرار گیرد. تلاش برای تکنرخی کردن ارز در سال ۱۳۷۲ با موفقیت همراه نبود و سیاست‌های پولی نیز به علت تعهد بانک مرکزی برای بازپرداخت وام‌های خارجی، کمک به بنگاه‌های دولتی و خصوصی و تأمین منابع کسری بودجه دولت تحت‌الشعاع سیاست‌های مالی قرار گرفت.

با توجه به مشکلات فراوان اقتصادی، برنامه سوم پنج‌ساله توسعه اقتصادی در جهت رفع این مشکلات با هدف استقلال بیشتر بانک مرکزی، جلوگیری از تلاطم‌های اقتصادی از طریق ایجاد حساب ذخیره ارزی، حذف کنترل قیمت، دخالت کمتر دولت و قوه مقننه در بازار پول و ارز با کاهش تدریجی وام‌های تکلیفی و یکسان‌سازی نرخ

ارز و آزادسازی بانک‌ها در تخصیص منابع خود و شکستن انحصار بانک‌های دولتی در بازار پول از طریق دادن مجوز تأسیس به بانک‌های خصوصی در سال ۱۳۷۸ تصویب گردید.

موضوع استقلال بیشتر بانک‌های مرکزی با تأسیس بانک مرکزی اروپا و تغییر ساختار و چهارچوب فعالیت‌های بانک‌های انگلستان، نروژ و بانک‌های مرکزی اروپای شرقی، شرایط مناسبی را فراهم کرد تا بانک مرکزی ایران هم تأکید بیشتری به استقلال خود نماید و هم به سیاست‌های شفاف‌سازی و اطلاع‌رسانی و پاسخگویی توجه نماید.

اقدامات بانک مرکزی در زمینه شفاف‌سازی و اطلاع‌رسانی با شروع انتشار بولتن فصلی «نماگرهای اقتصادی» (از سال ۱۳۷۶)، مصاحبه‌های رئیس کل بانک مرکزی، برگزاری همایش‌های سالانه سیاست‌های پولی و ارزی، همایش‌های بانکداری اسلامی و ارائه سخنرانی‌های وزیر امور اقتصادی و دارایی و رئیس کل بانک مرکزی در این همایش‌ها در رابطه با عملکرد اقتصادی و سیاست‌های پولی شکل گرفت که این اقدامات را می‌توان در راستای تحول جدید در دیدگاه مسئولان بانک مرکزی نسبت به شفاف‌سازی و اطلاع‌رسانی تلقی کرد.

هر چند با یکسان‌سازی نرخ ارز در سال ۱۳۸۲، فشارهای سیاسی وارد بر بانک مرکزی، برداشته شد ولی کماکان بانک مرکزی ایران خود را موظف به تأمین منابع مالی برای دولت و بنگاه‌های وابسته به دولت می‌دانست. بدهی دولت به بانک مرکزی شروع به کاهش کرد و با افزایش درآمد نفت، کاهش بدهی‌های خارجی، بهبود مناسبات خارجی، شرایط مناسبی از نظر اقتصادی فراهم آمد و سرمایه‌گذاری داخلی و خارجی افزایش یافت. هر چند رشد اقتصادی افزایش و تورم شروع به کاهش یافت ولی پدیده تغییرات ساختار جمعیتی که ناشی از رشد بالای جمعیت در ابتدای پیروزی انقلاب اسلامی بود، منجر به رشد نیروهای آماده به کار در بازار در دهه ۸۰ شد و نرخ بیکاری افزایش یافت.

سیاست‌های پولی برای کمک به کاهش نرخ بیکاری با استفاده از نظریه فیلپس در قالب پرداخت تسهیلات به کارفرمایان و افراد جویای کار نتوانست به صورت دائم اشتغال را افزایش دهد و نرخ بیکاری دو رقمی همچنان باقی ماند. محاسبات نرخ

بیکاری طبیعی یا ناپرو^۱ (مجتهد و ولدخانی، ۲۰۱۰) در ایران نشان داده است که سیاست‌های کاهش نرخ بیکاری کمتر از یک نرخ مشخصی موجب افزایش شدید تورم می‌شود (نمودار ۳).

سیاست‌های ضدتورمی و به خصوص کاهش انتظارات تورمی در نتیجه یکسان‌سازی نرخ ارز به عنوان لنگر اسمی، موجب کاهش تدریجی نرخ تورم و پایین آمدن به ۱۱/۹ درصد در سال آخر برنامه سوم توسعه شد. این امر، با کاهش تدریجی نرخ بهره تسهیلات بانک‌ها، اثرات مثبتی را بر اقتصاد کشور به همراه داشت.

طی برنامه چهارم توسعه اقتصادی که همراه با افزایش قیمت نفت در بازارهای بین‌المللی و کاهش انتظارات تورمی مردم به علت یکسان‌سازی نرخ ارز همراه بود، در ابتدا نرخ تورم روند کاهشی خود را ادامه داد و به پایین‌ترین حد خود در دهه اخیر یعنی ۱۰/۴ درصد رسید. اما با افزایش درآمدهای دولت و استفاده مکرر از حساب ذخیره ارزی برای پرداخت‌های جاری، نرخ تورم افزایش یافت و به بالاترین حد خود در ۱۰ سال اخیر در سال ۱۳۸۷ رسید. اما رشد اقتصادی بعد از یک روند افزایشی مجدداً شروع به کاهش کرد و به ۰/۵ درصد که کمترین نرخ رشد اقتصادی در سال‌های اخیر است در سال ۱۳۸۷ رسید^۲ (جدول ۳ و نمودارهای ۲ و ۳).

علی‌رغم تلاش دولت از طریق اجرای سیاست‌های پرداخت تسهیلات به بنگاه‌های کوچک و متوسط و زودبازده، نرخ بیکاری بعد از یک کاهش ۰/۸ درصدی به روند صعودی خود بازگشت و در سال ۱۳۸۸ به ۱۱/۹ درصد که بالاترین نرخ در برنامه چهارم توسعه است، افزایش یافت. نمودار ۴ تغییرات نرخ بیکاری را طی برنامه چهارم توسعه نشان می‌دهد.^۳

جدول ۴ انحراف معیار نرخ رشد اقتصادی و نرخ تورم را در چهار برنامه توسعه اقتصادی در سال‌های ۱۳۶۸ تا ۱۳۸۸ نشان می‌دهد. همان‌طور که ارقام جدول نشان

1- Non-Accelerating Inflation Rate of Unemployment (NAIRU).

۲- بر اساس اطلاعات ارائه شده در سخنرانی معاون اقتصادی بانک مرکزی در بیستمین کنفرانس سیاست‌های پولی و ارزی پژوهشکده پولی و بانکی و نماگرهای اقتصادی بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران.

۳- این تغییرات را باید با توجه به تعریف جدید بیکاری از طرف مرکز آمار ایران ملاحظه کرد که با تعریف قبلی بیکاری متفاوت است و باعث افزایش نرخ بیکاری بر اساس تعریف قبلی می‌گردد.

می‌دهد، انحراف معیار تورم در برنامه سوم به پایین‌ترین حد خود یعنی ۱/۹ درصد رسید ولی در برنامه چهارم افزایش یافت که این امر نشان‌دهنده کاهش استقلال بانک مرکزی در این دوران بود. همچنین از نظر رشد اقتصادی نیز انحراف معیار رشد در برنامه‌های دوم و سوم به پایین‌ترین حد در مقایسه با برنامه‌های اول و چهارم رسیده بود که نشان‌دهنده ثبات اقتصادی بیشتر در برنامه سوم در مقایسه با سایر برنامه‌ها بوده است.

۵. چالش‌های استقلال بانک مرکزی ایران

شورای پول و اعتبار بانک مرکزی ایران که در حقیقت مشابه کمیته سیاست‌های پولی در دیگر بانک‌های مرکزی می‌باشد، به عنوان یک نماد سیاست‌گذاری پولی در ایران ساختار کاملاً دولتی دارد. هر چند در ابتدای تشکیل بانک مرکزی ریاست شورای پول و اعتبار با رئیس بانک مرکزی بود ولی در برنامه سوم اختیار آن به وزیر امور اقتصادی و دارایی محول گردید و مجدداً در برنامه چهارم (۱۳۸۳-۱۳۸۸) تغییر یافت و رئیس کل بانک مرکزی مسئولیت اداره آن را به عهده گرفت.

ترکیب شورای پول و اعتبار از پنج وزیر، دو کارشناس اقتصادی به پیشنهاد رئیس کل بانک مرکزی و تأیید ریاست جمهوری و دادستان کل کشور یا نماینده آن و رؤسای اتاق‌های بازرگانی و صنایع و معادن و اتاق تعاون می‌باشند. دو نماینده مجلس هم به عنوان ناظر در جلسات شرکت دارند و جمعاً یازده نفر می‌باشند. با حضور پنج وزیر منتخب دولت و دو نفر کارشناس مورد تأیید دولت و رئیس اتاق تعاون عملاً اکثریت اعضای شورا، دولتی می‌باشند و لذا استقلال تصمیمات بانک مرکزی از دولت وجود ندارد. همچنین به طور ضمنی کلیه تصمیمات شورای پول و اعتبار نیاز به تأیید رئیس جمهور دارد و نمی‌تواند تصمیماتی بر خلاف نظر دولت بگیرد، لذا شورای پول و اعتبار کاملاً هماهنگ با دولت حرکت می‌کند.

در برنامه چهارم توسعه (۱۳۸۴-۱۳۸۸) تحولات سیاسی - اقتصادی باعث گردید که تا اندازه‌ای از استقلال بانک مرکزی ایران کاسته شود. تغییرات مکرر رؤسای بانک مرکزی که شاخص استقلال بانک مرکزی را بر اساس طول مدت خدمت رئیس بانک مرکزی محاسبه می‌کند، به ۰/۵۶ درصد در برنامه چهارم توسعه رسید که در مقایسه با برنامه‌های دوم و سوم حاکی از استقلال کمتر بانک مرکزی است. ادغام شورای پول و اعتبار در کمیسیون اقتصادی هیأت دولت و بعد احیای مجدد آن، تأخیر در

اطلاع‌رسانی و انتشار آمارهای اقتصادی، واگذاری محاسبه نرخ بیکاری به مرکز آمار ایران و احتمال واگذاری محاسبه نرخ تورم به آن مرکز، انتشار آمارهای متفاوت از طریق مقامات مختلف دولتی و مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی تا اندازه زیادی به اعتبار بانک مرکزی از نظر استقلال لطمه زده است.

دخالت مجلس شورای اسلامی در تعیین نرخ بهره عقود مبادلاتی و کاهش اجباری قانونی آن به تک‌رقمی شدن، برای اولین بار نقش بانک مرکزی را به عنوان مقام پولی تعیین‌کننده سیاست‌های پولی خدشه‌دار کرد. قبلاً در برنامه‌های پنج‌ساله توسعه اقتصادی نرخ رشد نقدینگی، نرخ تورم، رشد اقتصادی و بیکاری به عنوان اهداف برنامه توسط نمایندگان مجلس تعیین می‌گردید ولی تعیین نرخ سود بانکی با توجه به متغیر بودن نرخ تورم و عدم توانایی دولت و بانک مرکزی برای رسیدن به اهداف تورمی در برنامه‌های قبلی، عملاً منجر به از دست دادن یک ابزار مهم سیاست پولی برای بانک مرکزی گردید.

پاسخگویی بانک مرکزی زمانی می‌تواند مطرح باشد که ابزارهای لازم در اختیار بانک قرار گیرد و استقلال بانک مرکزی به رسمیت شناخته شود و اهداف اقتصادی به‌ویژه تورم رسماً اعلام و مسئولیت آن به عهده بانک مرکزی گذاشته شود. در چنین شرایطی می‌توان انتظار داشت که بانک مرکزی در مقابل مسئولین قوای مقننه و اجرایی مسئولیت داشته باشد. اطلاع‌رسانی در چنین فضایی به بانک مرکزی در جهت کاهش انتظارات تورمی و ثبات بیشتر بازار کمک می‌کند. از جمله شاخص‌های تعیین استقلال بانک مرکزی می‌توان به شاخص ژاکومه اشاره کرد که ۱۰ معیار را در نظر گرفته و برای هر معیار سه وزن متفاوت بسته به سیاست‌ها و وظایف و اختیارات بانک‌ها از صفر تا یک مشخص می‌نماید که در جدول ۱ آمده است. معیارهای ۹ و ۱۰ در رابطه با پاسخگویی و شفافیت و اطلاع‌رسانی گزارش‌های بانک مرکزی است.

جدول ۲ بر اساس طول مدت خدمت رؤسای بانک مرکزی ایران تهیه شده است. معیار استقلال بیشتر بانک مرکزی از نسبت طول مدت خدمت رؤسای بانک مرکزی به دست می‌آید؛ یعنی یک تقسیم بر طول دوره خدمت رئیس بانک مرکزی، بنابراین می‌توان گفت چون طول خدمت مستمر دکتر محسن نوربخش در یک مقطع ۹ سال بود که بیشترین دوران خدمت یک رئیس بانک مرکزی بوده است، بیشترین استقلال بانک مرکزی ایران در این دوران بوده است.

جدول ۱- شاخص ژاکومه

شاخص (وزن)	/	
- هدف بانک مرکزی ()	چند هدف مختلف که ممکن است با هم متعارض باشند بدون اولویت داشتن ثبات	ثبات قیمتی تنها هدف یا هدف با اولویت اول
- انتصاب و مدت زمان آن ای اعضای شورای بانک ()	انتصاب در دو مرحله توسط دولت با همپوشانی با دو دوره یا مدت انتصاب بیش از دولت	معرفی توسط دولت و انتصاب توسط مجلس، مدت انتصاب بیش از دولت یا همپوشانی با دو دوره
- تار شورای بانک ()	نمایندگه‌های مستقیم دولت شامل وزیر اقتصاد با داشتن حق رأی	بدون نماینده از بخش خصوصی و دولت، تنها وزیر اقتصاد بدون حق رأی
- برکناری اعضای شورا ()	به دلایل خاص و قانونی مستقیماً توسط دولت	در دو مرحله با تصمیم نهایی مجلس یا قوه
- وام‌های بانک مرکزی به دولت ()	استقراض مستقیم با اعمال محدودیت در بازارهای ثانویه	ممنوعیت استقراض دولت مگر در شرایط اضطراری و در بازار
- مرجع نهایی وام ()	وام‌های اضطراری قانونی و نامحدود نظارت بانک	وام‌های اضطراری قانونی و محدود
- استقلال ابزاری برای هدایت سیاست پولی ()	محدودیت در استفاده از ابزارهای پولی	استقلال کامل در جهت استفاده از ابزارهای
- استقلال مالی ()	دولت هیچ الزامی به سرمایه بانک ندارد.	دولت سرمایه بانک را - کند و بانک سود را به دولت منتقل کند.
- ()	بانک مرکزی تنها طور سالانه گزارش کند.	رئیس بانک مرکزی در مجلس حاضر شده و به دولت نیز گزارش دهد.
- شفافیت گزارش ()	گزارش‌های دوره‌ای توسط بانک تا شود.	گزارش‌های دوره‌ای از بانک تا شود.

جدول ۲- فهرست اسامی رؤسای کل بانک مرکزی از بدو تأسیس تاکنون به
همراه دوره تصدی آنها

نام	نام خانوادگی	سال تصدی	دوره تصدی
ابراهیم	کاشانی	۱۳۳۹	۱ سال
علی اصغر	پورهمایونی	۱۳۴۰	۳ سال
مهدی	سمیعی	۱۳۴۳	۵ سال
خداداد	فرمانفرمائیان	۱۳۴۸	۱ سال
مهدی	سمیعی	۱۳۴۹	۱ سال
عبدالعلی	جهانشاهی	۱۳۵۰	۲ سال
محمد	یگانه	۱۳۵۲	۲ سال
حسن علی	مهران	۱۳۵۴	۲ سال
یوسف	خوش کیش	۱۳۵۶	۱ سال
محمدعلی	مولوی	۱۳۵۷	۱ سال
علی رضا	نوبری	۱۳۵۸	۲ سال
سید محسن	نوربخش	۱۳۶۰	۵ سال
مجید	قاسمی	۱۳۶۵	۳ سال
سید محمدحسین	عادلی	۱۳۶۸	۵ سال
سید محسن	نوربخش	۱۳۷۳	۹ سال
محمدجواد	وهاجی (قائم مقام رئیس کل)	۱۳۸۲	-
ابراهیم	شیبانی	۱۳۸۲	۴ سال
طهماسب	مظاهری	۱۳۸۶	۱ سال
محمود	بهمنی	۱۳۸۷	-

جدول ۳- نرخ رشد اقتصادی، نرخ تورم و نرخ بیکاری طی برنامه چهارم توسعه
(۱۳۸۸-۱۳۸۴)

سال	رشد اقتصادی (درصد)	نرخ تورم (درصد)	نرخ بیکاری (درصد)
	/	/	/
	/	/	/
	/	/	/
	/	/	/
	/	/	/
	/	/	/
متوسط دوره	/	/	/
هدف طی برنامه	/	/	/

آمار مقدماتی است.

برآورد صندوق بین‌المللی پول.

منبع: بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، گزارش‌های اقتصادی سال‌های مختلف.

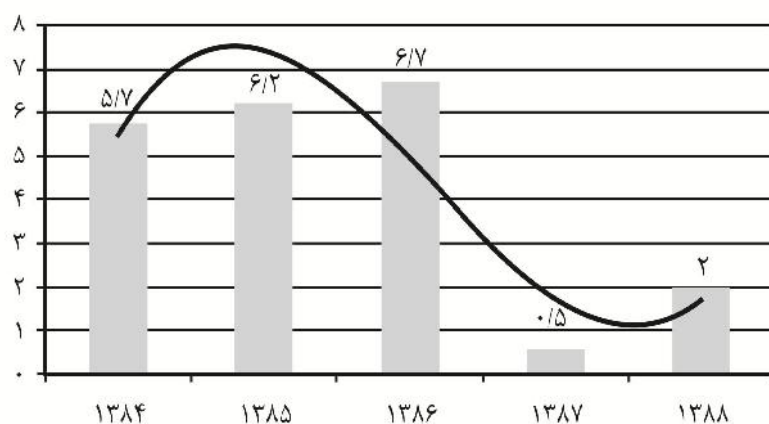
جدول ۴- مقایسه انحراف معیار نرخ رشد اقتصادی و نرخ تورم طی برنامه‌های
توسعه اقتصادی پنج‌ساله

ه اول	برنامه دوم	برنامه سوم	چهارم	
*	-	-	-	
/	/	/	/	انحراف معیار
/	/	/	/	انحراف معیار تورم

* سال ۱۳۷۳ ادامه برنامه اول می‌باشد.

منبع: محاسبات نویسنده.

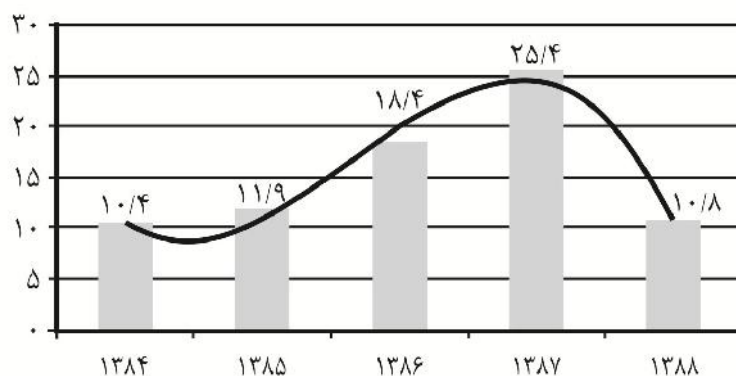
نمودار ۲- نرخ رشد طی برنامه چهارم توسعه اقتصادی (۱۳۸۴-۱۳۸۸) درصد
رشد اقتصادی



رقم رشد اقتصادی سال ۱۳۸۷ مقدماتی و سال ۱۳۸۸ به صورت برآورد می باشد.
منبع: بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران

نمودار ۳- نرخ تورم طی برنامه چهارم توسعه اقتصادی (۱۳۸۴-۱۳۸۸) درصد

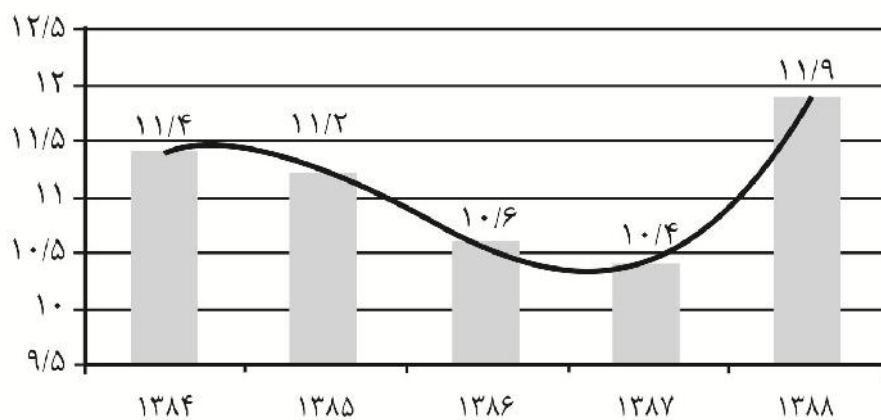
نرخ تورم



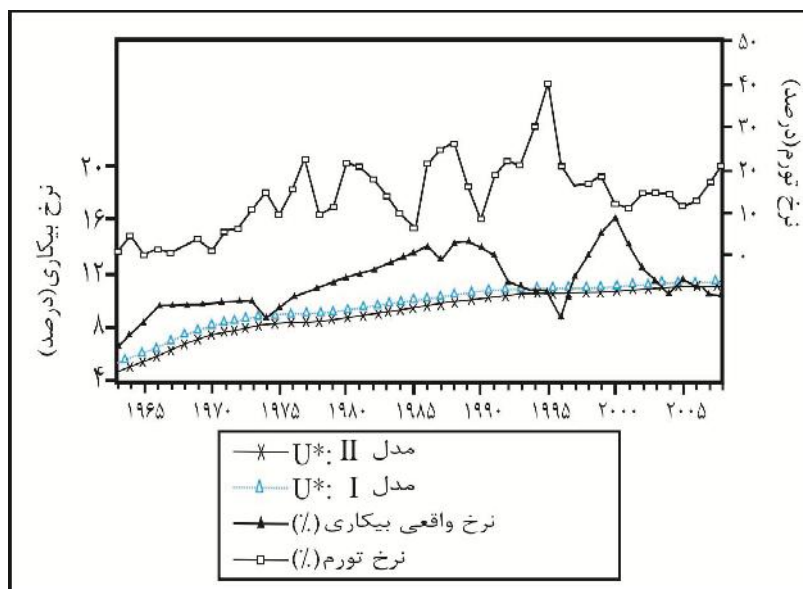
منبع: بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران.

نمودار ۴- نرخ بیکاری طی برنامه چهارم توسعه اقتصادی (۱۳۸۴-۱۳۸۸) درصد

نرخ بیکاری



نمودار ۵- محاسبه نایرو در ایران



منبع: Mojtahed, Ahmad & Valad Khani, Abbas.(2010) NAIRU Estimation for Iran, Economic Report, Wollongong University.

۶. خلاصه و جمع‌بندی

با توجه به مطالعات انجام شده، اقتصاددانان اعتقاد دارند که بین استقلال بانک مرکزی و تورم رابطه منفی وجود دارد، با افزایش استقلال بانک مرکزی تورم کاهش می‌یابد. همچنین بین تورم و رشد تولید ناخالص داخلی رابطه منفی وجود دارد و با افزایش تورم، نرخ رشد اقتصادی کاهش می‌یابد. استقلال بانک مرکزی به معنی عدم پاسخگویی در مقابل قوای مقننه و مجریه نیست و یک بانک مرکزی مستقل با توجه به اهداف تعیین شده از نظر تورمی باید پاسخگو باشد. لذا در کشورهایی که هدف‌گذاری تورمی انجام می‌شود، بانک مرکزی خود را موظف می‌داند که به انحرافات پاسخگو باشد. وجود هدف‌های مقداری باعث ایجاد یک نقطه اتکا برای بانک مرکزی در جهت مقابله با فشارهای سیاسی و ایجاد ثبات اقتصادی بیشتر می‌گردد.

هر چند در کوتاه‌مدت با استفاده از رابطه منحنی فیلیپس امکان کاهش نرخ بیکاری وجود دارد ولی در بلندمدت چنین رابطه‌ای وجود ندارد و نظر فریدمن در مورد هشدار به استفاده‌کنندگان از سیاست‌های پولی برای رسیدن به نرخ‌های بیکاری کمتر و اشتغال بیشتر را با توجه به اثرات تورمی آن باید جدی گرفت. در این رابطه نئوکینزین‌ها نظریه نرخ بیکاری غیرتورمی ناپرو را مطرح کرده‌اند که امکان دارد با استفاده از سیاست‌های پولی و در نظر گرفتن یک نرخ بیکاری حداقلی بتوان بدون افزایش نرخ تورم نرخ بیکاری را به صورت محدودی کاهش داد.

شفافیت، اطلاع‌رسانی و پاسخگویی بانک مرکزی که از دهه ۱۹۹۰ در تعاریف اقتصادی مطرح گردیده است، حاکی از آن است که سیاست‌های پنهان‌کاری و عدم اطلاع‌رسانی به مردم در رابطه با تصمیمات پولی بانک مرکزی به عدم کارآیی سیاست‌های پولی می‌انجامد. بانک‌های مرکزی نروژ، سوئد، اروپا و آمریکا در سال‌های اخیر در جهت شفاف‌سازی بیشتر سیاست‌های پولی خود حرکت کرده‌اند. اطلاع‌رسانی نیز به عنوان یک عامل مهم در جهت مدیریت انتظارات تورمی شناخته شده است و اقتصاددانان با استفاده از برخی مدل‌های ساده اقتصادی رابطه آن را با کارآیی سیاست‌های پولی نشان داده‌اند. در سیاست‌های کلی برنامه پنجم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران در بند ۳-۲۱ «ارائه مستمر آمار و

اطلاعات به صورت شفاف و منظم به جامعه» و در بند ۲۴ «ارتقای کمی و کیفی بازارهای مالی (سرمایه، پول و بیمه) با تأکید بر کارآیی، شفافیت و سلامت» تأکید گردیده است.

بانک مرکزی ایران از بدو تأسیس خود در سال ۱۳۳۹ با مشکل استقلال روبه‌رو بوده است. تغییرات مکرر رؤسای بانک مرکزی ایران در سال‌های قبل از انقلاب و ترکیب اعضای شورای پول و اعتبار که منحصر به سلطه دولت بر سیاست‌های پولی می‌گردد، از جمله عواملی بود که موفقیت سیاست‌های پولی را در این سال‌ها خدشه‌دار کرده است.

شاخص‌های محاسبه استقلال بانک مرکزی از جمله شاخص کوکرمن، شاخص قانونی و شاخص ژاکومه نشان می‌دهد که استقلال بانک مرکزی ایران در مقایسه با سایر کشورهای جهان در این دوران در حد متوسط می‌باشد.

دوران پس از پیروزی انقلاب اسلامی که کشور با شرایط دشوار و سختی همچون جنگ تحمیلی، محدودیت‌های خارجی و تلاطم سیاسی - اقتصادی مواجه گردیده بود، از نظر استقلال بانک مرکزی نیز موجب تضعیف آن گردیده بود. با پایان جنگ و کاهش فشارهای خارجی، بانک مرکزی به سمت استقلال بیشتر حرکت کرد و شاخص استقلال بانک مرکزی در برنامه دوم و سوم توسعه بهبود یافت. کاهش نوسانات تورم و تولید به خصوص در برنامه سوم توسعه نشان از ثبات بیشتر اقتصادی و استقلال بیشتر بانک مرکزی داشت. در این سال‌ها بانک مرکزی در جهت شفاف‌سازی و اطلاع‌رسانی بیشتر اقداماتی را انجام داد.

در برنامه چهارم توسعه اقتصادی، تحولات سیاسی - اقتصادی منجر به نوسانات بیشتری در تولید و تورم گردید و انحراف معیار تولید و تورم افزایش یافت. تغییر مکرر رؤسای بانک مرکزی در این دوران و تعطیلی شورای پول و اعتبار از جمله عواملی بود که منجر به کاهش استقلال بانک مرکزی گردید. هر چند تغییر قانون انتصاب رئیس کل بانک مرکزی توسط مجمع عمومی به ریاست رئیس جمهور و فعالیت مجدد شورای پول و اعتبار را می‌توان در جهت مثبت تلقی کرد که موجب استقلال بیشتر بانک مرکزی گردید.

دخالت قوه مقننه در تعیین نرخ سود عقود مبادلاتی و اصرار در کاهش آن بدون توجه به شرایط اقتصادی، منجر به کاهش استقلال بانک مرکزی در امر سیاست‌گذاری و استفاده از ابزارهای پولی گردید. تأکید بر استفاده از سیاست‌های پولی به منظور کاهش نرخ بیکاری و ایجاد اشتغال در نهایت منجر به تورم فزاینده گردید و نشان داد که سیاست‌های پولی هر چند توانست در حدود یک درصد از نرخ بیکاری بکاهد ولی منجر به تورم ۲۵ درصدی شد که پدیده ناپرو را در اقتصاد ایران اثبات نمود. برای موفقیت سیاست‌های پولی بهبود فضای کسب‌وکار کشور با تأکید بر ثبات محیط اقتصاد کلان، فراهم آوردن زیرساخت‌های ارتباطی، اطلاعاتی، حقوقی و فناوری مورد نیاز و کاهش خطرپذیری‌های کلان اقتصادی ضروری است. برگشت از سیاست‌های اشتغال‌زدایی یا کاهش سرعت روند آن منجر به برگشت به نرخ بیکاری قبلی یا حتی بیشتر بر طبق نظریات فریدمن گردیده است.

۷. پیشنهادها

- ۱) بانک مرکزی ایران فقط یک هدف مشخص ثبات قیمت‌ها را دنبال کند.
- ۲) هدف‌گذاری تورمی باید به عنوان یک دستورالعمل برای بانک مرکزی تعیین گردد.
- ۳) استقلال بانک مرکزی برای رسیدن به هدف تورمی تأمین گردد.
- ۴) نحوه انتصاب رئیس بانک مرکزی در قانون به نحوی مشخص گردد که ثبات بیشتری برای سیاست‌های بانک مرکزی فراهم نماید.
- ۵) ابزارهای پولی سیاست پولی به صورت کامل در اختیار بانک مرکزی و شورای پول و اعتبار باشد.
- ۶) شورای پول و اعتبار از حالت دولتی صرف خارج و به صورت یک شورای تخصصی درآمد و نقش بیشتری به بخش خصوصی و متخصصین اقتصادی داده شود.
- ۷) بانک مرکزی ایران باید شفافیت بیشتر و اطلاع‌رسانی به عموم را در برنامه خود بگنجانند و اهمیت بیشتری به «مدیریت انتظارات» بدهد.
- ۸) بانک مرکزی ایران باید در مقابل قوای مقننه و مجریه پاسخگو باشد و بتواند نظرات خود را به طور مستقل در مقابل قوه مقننه بیان کند.

- ۹) تعیین حداقل نرخ سود تسهیلات و نرخ سود سپرده‌های سرمایه‌گذاری با توجه به نرخ تورم توسط بانک مرکزی به عنوان یک ابزار پولی صورت گیرد و از سرکوب مالی که منجر به کاهش پس‌اندازها و تشکیل سرمایه می‌شود، احتراز شود.
- ۱۰) نرخ برابری ارز به صورت شناور مدیریت شده با توجه به تفاوت نرخ تورم داخل و خارج و تغییرات ارزهای بین‌المللی تعیین شود و از بالا رفتن ارزش ریال بدون در نظر گرفتن عوامل فوق برای مقابله با بیماری هلندی جلوگیری شود. فقط در صورت افزایش بهره‌وری بیشتر در ایران نسبت به سایر کشورها، افزایش ارزش برابری ریال دارای توجیه اقتصادی است.
- ۱۱) سیاست‌های پولی بانک مرکزی در جهت کنترل رشد نقدینگی با توجه به رابطه قوی بین تورم و رشد نقدینگی تداوم یابد ولی به تحولات بازارهای مالی و قیمت دارایی‌ها از جمله مسکن و طلا توجه کافی شود.
- ۱۲) به سازوکار انتقال پولی در شرایط توسعه بازارهای مالی جهت اتخاذ سیاست‌های پولی به عنوان یک عامل تعیین کننده توجه گردد و در صورت آزادسازی بازار سرمایه به نقش بازارهای مالی بین‌المللی توجه شود.

منابع و مأخذ

فارسی

- استون، بی و همکاران. (۱۳۸۴). راهنمای نوین اقتصاد کلان.
- بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، اداره بررسی ها و سیاست های اقتصادی. گزارش اقتصادی و ترازنامه. سال های مختلف.
- بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، معاونت اقتصادی. (۱۳۸۲). تورم، مطالعات نظری و تجربی در زمینه اقتصاد ایران. تهران: معاونت اقتصادی بانک مرکزی جمهوری اسلامی.
- جمشیدی، ابوالقاسم. (۱۳۸۱). سیاستگذاران پولی در ایران. تهران: مؤسسه خدمات فرهنگی رسا.
- حسن زاده، علی و ارضرومچیلر، نسرين (۱۳۸۲). چهار مقاله پیرامون بانکداری مرکزی. تهران: پژوهشکده پولی و بانکی.
- سلیمانی، سید مهدی. (۱۳۸۳). بررسی و آزمون تقاضای پول در اقتصاد ایران. تهران: پژوهشکده پولی و بانکی.
- شاکری، عباس. (۱۳۸۷). تغییرات رشد نقدینگی در اقتصاد ایران (روند و علل) تهران: مرکز پژوهش های مجلس شورای اسلامی.
- مجتهد، احمد. (۱۳۸۷). تحولات سیاست های پولی بانک مرکزی در جهان و ایران: اهداف، مسائل و ابزارهای پولی. هجدمین کنفرانس سیاست های پولی و ارزی (صفحات ۵۷-۸۰). تهران: پژوهشکده پولی و بانکی.

انگلیسی

- Alesina, Alberto & Lawrence, Summers. (1993). Central bank Independence and Macroeconomic performance. Some Comparative evidence. *Journal of Money Credit and Banking*, 25 (2), 55-98.

- Bank for International Settlement. (2006). Central banks and the Challenge of Development, Bank for International settlement, from <http://www.bis.org>.
- Berger, Helge, Ehrmann, Michael, & Fratzcher, Marcel. (2006). Monetary Policy in the Media. *European Central Bank Working Paper* 679.
- Bernanke, Ben S., Laubach, Thomas, Mishkin, Fredric S. & Posen, Adam S. (1999). *Inflation Targeting: Lessons from the International Experience*. Princeton: Princeton University Press.
- Blinder, Alan. s., Ehrmann, Michael and etal. (2008). Central Bank Communication and Monetary Policy: A survey of Theory and Evidence. *Journal of Economic Literature*, 46 (6), 910-945
- Cukierman, Alex, & Metzger, Allan. H. (1986). A Theory of Ambiguity, Credibility, and Inflation under Discretion and Asymmetric Information. *Econometrica*, 54 (5), 1099-1128.
- Gosselin, Pierre, Lotz, Aileen, & Wypolsz, Charles. (2007). Interest Rate Signals and Central Bank Transparency. *Worldbank Center for Economic Policy Research Discussion Paper*, 6554.
- Mojtahed, Ahmad & Valad khani, Abbas. (2010). NAIRU Estimation of Iran. *Working paper Wollongong University Australia*, from <http://www.uow.edu.au>.
- Poole, William. (2001). Expectations. *Federal Reserve Bank of St. Louis Review*, 83(2), 1-10.
- Sibert, Anne. (2006). Is central Bank Transparency Desirable? *Worldbank Center for Economic Policy Research Discussion Paper*, 5641.

-
- Woodford, Michael. (2005). Central-Bank Communication and Policy Effectiveness. *In the Greenspan. Era: Lessons for the Future*, Kansas City: Federal Reserve Bank of Kansas City, (pp 399-474).